



حکومت سعودی مطمئن باشد که
آمریکا لکه ننگی بر دامنش نهاده است
که تا قیام قیامت هم با آب زمزم و کوثر
پاک نمی شود. امام خمینی

نگاهی گذرابه:

جمعه

خونین

مکه

وافق آینده حج

«ان الذین کفروا ویصدون عن سبیل الله والمسجد الحرام الذی جعلناه للناس سواء العاکف فیہ والباد ومن یرد فیہ بالحاد یظلم نذقه من عذاب الیم».

(سوره حج - آیه ۲۵)
کسانی که کفر ورزیده اند و از «راه خدا» و «مسجد الحرام» که آن را برای مردم قرار داده ایم و مقیم و از راه رسیده در آن یکسان است، باز می دارند و همانا هرکس اراده کند که در آنجا تجاوز از حق و ستمی کند عذاب دردناک به آنها بچشانیم.

مصدق بارز الحاد

قبل از اینکه به جنایات بی سابقه آل سعود در فاجعه جمعه خونین مکه بپردازیم، خوب است، این آیه شریفه را مقداری مورد بررسی قرار دهیم تا معلوم شود آنان که در کنار «خانه خدا» آنچنان وحشیانه به «مهمانان خدا» که «در راه خدا» به وظیفه مقدس خود عمل می کردند، ظلم و تجاوز نمودند و بی رحمانه با «باتون های الکتریکی و غیر الکتریکی» و «مسلسل» و «اسلحه سرد» آنان را به شهادت رساندند و هزاران زائر خانه خدا را زخمی نمودند، مصداق بارز «کفار» و

«ملحدان» می باشند و بی گمان دردناکترین و سخت ترین عذابهای الهی در انتظار آنان است. و سپس به علت ایجاد این حادثه توسط آل سعود، مزدوران بی چون و چرای شیطان بزرگ، می پردازیم.
دقت بفرمائید در این آیه شریفه، قبل از اینکه بحث از «یصدون» شود، کلمه «کفروا» آورده است و به صیغه ماضی نیز می باشد، گویا آنانکه می خواهند مردم را از راه خدا و مسجد الحرام بازدارند و در آنجا به آنان تجاوز کنند، قبلاً کافر شده اند چون اگر کافر نباشند بی گمان در خانه خدا به کسی ظلم روا نمی دارند و مردم را از راه خدا باز نمی دارند. و دیگر اینکه در کلمه «یصدون»، استمراریت نهفته است، یعنی این آیه منحصر به یک فرد یا یک حادثه تاریخی نیست بلکه تا قیام قیامت آنانکه به چنین کاری دست بزنند و قدامت خانه خدا را تنگ ندارند، مورد خطاب آیه کریمه می باشند.

«سبیل الله» با «مسجد الحرام» آمده است و چه جالب است، زیرا آیه به ما می فهماند که اگر کافران مردم را از راه خدا یا از مسجد الحرام باز بدارند، کافرنه و به عذاب دردناک دچار خواهند شد، پس اگر کسی در آن واحد مردم را در کنار خانه خدا از راه خدا باز بدارد، چه تکلیفی دارد و چه عذابی در انتظار او است؟ مگر اعلام «برائت از مشرکین» مصداق بارز «سبیل الله» نیست؟ مگر در آن آیه کریمه ای که می فرماید: «و اذان من الله ورسوله الی الناس یوم الحج الاکبر ان الله یرئ من المشرکین ورسوله»، اجازه قطعی از خدا و رسول به مردم داده نشده است که دو روز «حج اکبر» اعلام کنند که چون خدا و رسولش از مشرکین بری و بیزارند، پس ما هم اعلام بیزاری و براءت می کنیم؟ و مگر تیزی جستن از دشمنان خدا و رسول جزء لاینجزایی از فروع دین ما و عبادات ما نیست؟ و مگر دین چیزی بجز حب و بغض است؟ و مگر شیطان بزرگ (آمریکا) و اسرائیل و شوروی، مصادیق مشرکین نیستند؟

بنابراین، بی گمان راهییمانی «برائت» از مشرکین «راه خدا و سبیل الله» است و چه جایی بهتر و مناسب تر از خانه خدا که خانه مردم است برای اعلام برائت از مشرکین و دشمنان الهی؟

خانه یا حرم؟

حال باید دید مراد از «مسجد الحرام» در آیه شریفه، نفس مسجد است یا تمام حرم را دربر می گیرد. فخر رازی در تفسیر خود چنین می گوید:



حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت و ناس که در آن به هر چه تجاوز و ستم و... است عملاً و قولاً پشت شود.

«امام خمینی»

در امنیت و امان باشد و احدی نباید متعرض او شود.
 «عن عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله علیه السلام قال سألته عن قول الله عزوجل: «ومن دخله كان آمناً» السیة عنی ام الحرم؟ قال: من دخل الحرم من الناس مستجیراً به فهو آمن من سخط الله ومن دخله من الوحش والظبیر كان آمناً من أن یهاج أو یؤذی حتی یرج من الحرم».
 راوی از حضرت امام صادق علیه السلام سؤال می کند از قول خداوند «هر کس داخل حرم شود، در امان است»، آیا مقصود خانه کعبه است یا کل حرم؟ حضرت می فرماید: هر کس از مردم وارد حرم شود و به آن پناه ببرد از غضب خداوند در امان است و حتی هر حیوان و پرنده ای وارد منطقه حرم شود در امان است و نباید ترسانده شود یا اذیت گردد تا وقتی که از حرم خارج شود.

خداوندا! اگر هر حیوان و پرنده ای در حرم امن تو در امان است و اجازه نمی دهی کسی به آنها آزاری برساند پس مهمانان تو که ندایت را لیبک گفتند و به دیدارت آمدند و بدست فرزندان خلف ابولهب و ابوسفیان اذیت و آزار دیدند و بسیاری به شهادت رسیدند، چه کفیری خواهند دهد؟ خداوندا عذاب دردناک در دنیا و آخرت نصیبشان کن.

مقیم و از راه رسیده در مکه یکسانند

در ادامه آیه شریفه می فرماید: «سواء العاکف فیہ والباد» افرادی که مقیم اند در مکه و آنان که از راه می رسند، در آن یکسانند، یعنی مکه خانه آنهاست و کسی حق ندارد متعرضشان شود.

«حلی از امام صادق علیه السلام می پرسد از تفسیر «سواء العاکف فیہ والباد». حضرت می فرماید: سزاوار نیست برای منازل مکه درب بگذارند زیرا حاجیان در آنجا بر آنها وارد می شوند و در منازلشان مسکن می کنند تا وقتی که اعمالشان تمام شود و همانا اولین کسی که درب برای منازل مکه وضع کرد، معاویه بود.

(علل الشرایع - ج ۲ - ص ۳۹۶)
 و در ص ۵۲ قرب الاستناد، آمده است که: حضرت امیر علیه السلام از رسول الله «ص» نقل می کند که حضرت اهل مکه را نهی کردند از اینکه منازلشان را اجاره دهند یا بوسیله درها منازل را ببندند، و در ادامه روایت آمده است که ابوبکر و عمرو عثمان و علی علیه السلام نیز

[مراد از «مسجد الحرام» تمام حرم است به دو دلیل: یکی اینکه در آیه کریمه ای که می فرماید: «سبحان الذي اسرى بعبدہ لیلاً من المسجد الحرام...» مقصود از مسجد، خود بلاد مکه است و دلیل دوم اینکه در آیه می فرماید: «العاکف» یعنی کسی که در آنجا اقامت دارد و بدون شک اقامت مردم در خود مسجد نیست بلکه در منازل است، پس خداوند مسجد را ذکر کرده و مکه را اراده نموده است...]

ویژگیهای حجون

بنابر این مراد از مسجد الحرام اگر کل حرم را در برنگیرد، حتماً مکه را در بر می گیرد و «شارع المسجد الحرام» را که منطقه «حجون» و «شعب اسی طالب» است و در آنجا آن جنایت هولناک رخ داد، نزدیکترین جا به مسجد الحرام می باشد، چه رسد به اینکه تمام حرم، حرام است و مورد احترام و نباید به حشره ای در تمام این منطقه آسیب رساند و نباید پرنده ای را صید کرد چه رسد به اینکه مهمانان خدا را در یکی از مشخص ترین و مقدس ترین مناطق حرم قتل عام کنند. حال بیسیم «حجون» منطقه مورد نظر، در حدیث رسول الله «ص» چه جایگاهی دارد؟

«عن انس عن رسول الله «ص» ان الله تعالی یأمر یوم القیامة أن یأخذوا بأطراف الحجون والبقیع. وهما مفرقان بمكة والمیدینة فیطرحان فی الجحنة».

(مستدرک - ج ۲ - ص ۱۲۱)

انس از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود: خدای تبارک و تعالی در روز قیامت امر می کند که اطراف حجون و بقیع را که دو قبرستان در مکه و مدینه اند بگیرند و در بهشت قرار دهند. و معنای این سخن حضرت رسول «ص» این است که بقدری این دو مکان (حجون و بقیع) کرامت و شرافت دارند که بخاطر مقدس بودن آنها، خداوند این دو نقطه را استثناء در بهشت قرار می دهد.

این از ویژگیهای «حجون»، و اقا خود حرم که چه در قرآن و چه در حدیث، آیات و روایات زیادی در امن بودن آن وارد شده است که از جمله در سوره بقره، آیه ۱۲۵ می فرماید: «واذ قال ابراهیم رب اجعل هذا البلد آمناً...» و در آیه ۹۷ از سوره آل عمران می فرماید: «... فیہ آبات بینات ومن دخله كان آمناً» که هر کس وارد این منطقه شود باید

در کنار خانه خدا و مرقد پیامبر اکرم (ص) بیعت‌ها و پیوندهای
دوستی و ارتباط آینده را با مسلمانان محکم کنید و حدیث انقلاب و
لطف خدا را به آنان بازگو نمائید.

«امام خمینی»

به همین دستور حضرت عمل کردند تا اینکه معاویه آمد و مخالفت کرد.

اراده ظلم در حرم امن الهی

در قسمت دوم آیه می فرماید: «ومن یرد فیه بالحاد بظلم...» فخر رازی در تفسیر این بخش از آیه هفت احتمال را ذکر می کند و در احتمال هشتم که آن را می پسندد به نقل از محققین چنین می گوید: الحاد به ظلم در تمام معاصی عمومیت دارد چه کوچک باشند و چه بزرگ زیرا در این مکان مقدس، هرگناه کوچکی بزرگ شمرده می شود تا آنجا که ابن مسعود گوید: اگر کسی در «عدن» باشد و اراده کند که گناهی را در جوار خانه خدا مرتکب شود، خداوند او را به عذابی دردناک گرفتار خواهد کرد.

(تفسیر فخر رازی ج ۲۳ - ص ۲۴)

قرطبی در تفسیر جامع خود می گوید: همانگونه که حسنات در حرم دوبرابر و مضاعف می گردند، معصیت‌ها نیز دوبرابر می شوند زیرا یکی برای نفس مخالفت امر الهی و دیگری برای نادیده گرفتن حرمت بلد حرام و خصوصاً اگر در شهر حرام نیز باشند. و از برخی اهل تاویل مانند ضحاک و ابن زید نقل می کند که: این آیه (ومن یرد فیه...) دلالت دارد بر اینکه انسان حتی در نیت و اراده معصیت کردن در مکه، عقاب و مجازات می شود، هر چند آن گناه را انجام ندهد و آنگاه روایتی از ابن مسعود و ابن عمر نقل می کنند که: هر کس نیت کند انسانی را در کنار خانه خدا به قتل برساند، همانا خداوند او را عذاب خواهد کرد.

(تفسیر قرطبی - ج ۶۲ - ص ۳۵)

مرحوم کلینی در «کافی» از ابن ابی عمیر نقل می کند که: معاویه بن عمار می گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم از قول خداوند «ومن یرد فیه بالحاد بظلم» حضرت فرمودند: هر ظلمی الحاد است و حتی کتک زدن به خادم و نوکر خود بدون اینکه گناهی مرتکب شده باشد از آن الحاد است.

و همچنین ابی الصباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر این بخش از آیه را پرسیدم، حضرت فرمود: «کل ظلم بظلمه الرجل نفسه بمکه من سرقة او ظلم احد اوشی» من الظلم فانی اراه الحاداً...» هر ظلم و ستمی که انسان به نفس خود در مکه روا دارد از

دزدی یا ظلم به دیگران با هر ظلم مختصری که باشد، من آن را الحاد می دانم.

(کافی - ج ۱ - ص ۲۲۷)

انگیزه ایجاد فاجعه خونین

اکنون پس از بررسی کوتاه از آیه شریفه، به انگیزه عربستان در ایجاد این حادثه پردازیم:

بدون شک باعث اصلی این کار، اوج گیری و رشد و توسعه انقلاب اسلامی از طریق راهپیمائی بود. ولی آل سعود گرچه با راهپیمائی مخالفت می کردند، آنقدر آن را جدی نمی گرفتند زیرا باور نمی کردند و نمی پنداشتند که این حرکت‌های سیاسی در حج به زودی در جوامع اسلامی جا بیفتد و مورد قبول و پذیرش عامه مسلمانان و توده‌های مؤمن و مسلمانی که از اقصی نقاط جهان به حج می آیند، قرار بگیرد. در اینجا ناگزیر به اعتراف هستیم که نه تنها مسئولین عربستان چنین تصویری از تأثیر راهپیمائی نداشتند که حتی برخی از مسئولین رده بالای کشورمان نیز در سالهای اول خیال می کردند، راهپیمائی مورد تمسخر مردم قرار گیرد و با آن همه تبلیغات گسترده دشمنان، مقبولیتی در جوامع اسلامی نداشته باشد و کافی است برای بهره برداری از حج، بسنده کنیم به پخش و نشر چند کتاب و مصاحبه با برخی از اندیشمندان ولی ناگهان با چشم خود دیدند که این راهپیمائی‌ها چنان جهش بوجود آورد و دل‌های مسلمین را متوجه ما ساخت که با ایستادن در کنار خیابانها، با چهره‌های گشاده نظاره کردن از درون ساختمانها، عکس برداری از تظاهرات، حرکت دادن دستها به عنوان پیروزی، گره کردن مشتها برای اعلام هماهنگی، گذشته از ابراز احساسات کردن و شرکت بسیاری از آنها در راهپیمائی‌ها، همه و همه نشانه مثبت بودن و جا افتادن این حرکت سیاسی در حج و تا آنجا پیش رفت کرد که در سال‌های ۶۵ و ۶۶ به جانی رسیده بود که پلیس رسماً اعلام می کرد که دیگر قابل کنترل نیست و مردم زیادی از کشورها و ملیت‌های مختلف شرکت می کنند و به هیچ وجه امکان دستگیری یا منع آنان وجود ندارد.

همین دعای کمیل امسال در مدینه بی سابقه بود زیرا نصف



در هر حال زائران ایرانی به نقش و رسالت خود در تمامی مراحل حج توجه کنند که تمامی اعمال و رفتار آنان با دقت مورد توجه و نظر دوستان و دشمنان انقلاب ماست.

«امام خمینی»

در راهپیمایی برانث شرکت می‌جستند.

خطر دیگری که از راهپیمایی برانث، عربستان را تهدید می‌کند، این بود که حکام غاصب حجاز ماهیت وابسته بودن و سرسپرده بودن خود را نسبت به آمریکا می‌دانستند، و بر تقصیرها و سهل‌انگاری‌ها و گناهان نابخشدونی خود در کوتاهی کردن نسبت به ملت فلسطین و تلاش نکردن برای آزادی قدس و تقدیم کردن ثروت جهان اسلام به دشمنان اسلام، واقف و مطلع بودند، لذا می‌دانستند که این شعارهای برانث گرچه بصورت ظاهر متوجه آنها نمی‌شود ولی بالعمال برای آینده آنان خطرناک است و با یک جمع‌بندی سریع، متفکران و حتی ساده‌اندیشان عربستان نیز به این نتیجه می‌رسیدند که اگر باید از دشمنان اسلام برانث بجوئیم، پس باید از آل سعود نیز برانث جست چرا که اینها دست‌نشاندهٔ شیطان بزرگ هستند و تمام ثروت‌های کشور را دودستی تقدیم دشمنان می‌کنند در حالی که ملت خودشان در فقر و گرسنگی و بالاتر از همه فقر فرهنگی بسر می‌برند. و همچنین به نتایج بسیار مثبتی در مورد مؤثر بودن مبارزه واقعی با اسرائیل و انسجام ملت‌های مسلمان و قطع ید اجانب از ثروت خدادادی جهان اسلام (نفث) و...»

و اقا چرا عربستان این جنایت را در مدینه انجام نداد؟

برای اینکه اینها از قبل برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده داشتند و می‌خواستند پس از ارتکاب جنایت، توجیه کنند جنایت خود را و آن همه پادشاهان می‌کنند که مثلاً ایرانیان برای تخریب و منفجر کردن کعبه و تغییر دادن قبله و... به مکه آمده‌اند و از طرفی دیگر در برابر چشمان مسلمانان، قدرت نمائی کنند و نیروی خود را به نمایش بگذارند و به اصطلاح خودشان به آن مسلمانانی که از حرکت‌های پست امام و ملت ایران نیرو و انرژی می‌گرفتند و با روحیه‌ای قوی به کشورهاشان برمی‌گشتند، ضربه وارد کنند که از این پس احساس وحشت و رعب نمایند و امیدشان از انقلاب اسلامی و پیشتازان و پیشگامان انقلاب بریده شود!

ولی چه احمقانه برخورد کردند. راستی که چه سخن جالبی را امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «خدای را شکر که دشمنان ما را از احمق‌ها و نادانان قرار داده است». این نابخردان ندانستند که با

جمعیت تقریباً غیر ایرانی بودند و این خیلی برای انقلاب اسلامی پیشرفت دارد که ما مطمئن شویم قریب پنجاه هزار نفر در مدینه از غیر ایرانی‌ها شرکت کرده بودند.

اینجا است که هیبت آمریکا با این حرکت هماهنگ و همگانی شکسته می‌شود و مردم روحیهٔ جسارت و پرخاش پیدا می‌کنند و آن رعب و وحشت از بین می‌رود و بی‌گمان مسلمانانی که در ایام حج با ما شرکت می‌کردند با دست پر به کشورهای خود باز می‌گشتند و انقلاب اسلامی از این راه، به سرعت صادر می‌شد.

من هرگز فراموش نمی‌کنم که یک وقت در تلکس‌ها می‌خواندیم آن هنگام که در آفریقای جنوبی، تظاهرات گسترده‌ای برپا شده بود، گروهی پلاکاردهائی از آیات قرآن درست کرده بودند، وقتی از آنها سؤال می‌شد: از کجا این برنامه را آموخته‌اید؟ پاسخ می‌دادند: این شیوه را در مکه و مدینه از ایرانیها آموخته‌ایم.

و نه تنها این روحیه در افرادی که خارج از عربستان بودند پیدا شده بود که وضع روحی بسیار از اهالی خود عربستان نیز تغییر کرده بود، تا آنجا که برخی در راهپیمایی شرکت کردند، برای جبهه کمک‌های زیادی آوردند و دسته دسته به زیارت ائمه بقیع می‌آمدند. تمام اینها نشانگر این معنی است که انقلاب اسلامی بقدری نفوذ کرده است که با آن همه خشونت و دژخیمی مأمورین عربستان، مردم با بی‌اعتنایی به آنها برخورد می‌کنند.

در هر صورت این مسائل، به اضافه فشاری که از سوی آمریکا و صهیونیسم بر عربستان وارد می‌شد و ارتباط تنگاتنگی که آل سعود با ملک حسن و ملک حسین و حسنی مبارک و دیگر مرتجعین دارند، ایجاب می‌کرد که چنین برخوردی را با ما بکنند خصوصاً که امسال این تفکر و این جهان بینی که باید مسائل سیاسی در حج مطرح شود، بیش از سالهای گذشته اوج گرفته بود و اگر چند سال دیگر بر همین منوال (آزادی نسبی) می‌گذشت، طولی نمی‌کشید که راهپیمایی یک میلیونی و یا بیشتر در مکه و مدینه برگزار می‌شد و من معتقدم اگر فشار از سوی رژیم‌های وابسته بر ملت‌هایشان نبود و حکومتها آنطور از حجاج کشورهاشان مراقبت نمی‌کردند، و آن همه ایجاد رعب و وحشت و تهدید به دستگیری از سوی عربستان و حکومت‌های دیگر اعمال نمی‌شد، بیش از ۸۰ درصد از حجاج سایر کشورها نیز با ما

مسلمانان جهان با همراهی نظام جمهوری اسلامی ایران عزم خود را جزم کنند تا دندانهای آمریکا را در دهانش خرد کنند و نظاره گر شکوفائی گل آزادی و توحید و امامت در جهان نبی اکرم باشند.

«امام خمینی»

در جبهه جنگ شیعه و سنی در کنار هم می جنگند و با متجاوزین و صدامیان مبارزه می کنند، نخست وزیر ما مشاور مخصوص اهل سنت دارد، در مجلس شورای اسلامی با نمایندگان اهل سنت در کنار هم تصمیم می گیریم و قانونگذاری می کنیم، در کارهای اجرایی استانها بخصوص مناطقی که اهل سنت زیاد است مانند کردستان، آذربایجان غربی، ترکمن صحرا و سیستان و بلوچستان، همه با هم فعالیت می کنیم و خلاصه در بنه امام، ستاد حج، و نمایندگی هائی که به خارج از کشور فرستاده می شوند، روحانیون و شخصیت های سنی و شیعه با هم و در کنار هم، برادروار به خدمت انقلاب اسلامی اشتغال دارند.

وحدت قبل از براءت

در همین فاجعه خونین مکه بسیاری از برادران اهل سنت به شهادت رسیدند و چند تن از روحانیون اهل سنت زخمی شدند که پس از بازگشت به ایران، به شدت اعلام انزجار و تنفر از رژیم منفور آل سعود نمودند و گذشته از مصاحبه ها و مقالاتشان، هم اکنون «سمیثا سراوان» از سوی برادران اهل سنت برای بررسی فاجعه مکه تشکیل شده است. بسیاری از علمای اهل سنت در لبنان، پاکستان و هند جنایت آل سعود را محکوم کردند و از این گذشته، آل سعود پیرو فرقه ضاله «وهابیت» هستند که از نظر بسیاری از علما و اندیشمندان اسلامی مردود است.

نکته دیگری که در این رابطه هست، این است که ماقبل از «راهپیمائی براءت» در مکه، «راهپیمائی وحدت» را در مدینه ترتیب می دهیم، یعنی قبل از اینکه نسبت به دشمنان تبری بجوئیم، دست اخوت و دوستی به برادران مسلمان می دهیم. محور خدا است و هدف تشکیل امت واحده اسلامی و پیوستن قطره های دنیای اسلام بهم دیگر و یکی شدن و وحدت پیدا کردن است و آنگاه در صفی مرصوص، اعلام براءت از مشرکین کردن و شیاطین انسی و جنی را رمی نمودن.

عکس العمل ملتها

و چقدر زیبا جلوه کرده بود وحدت سنی و شیعه، در غروب جمعه خونین. همان چیزی که هرگز دشمن تصور آن را نمی کرد که ملت های دیگر کشورها چگونه ایرانیان را در ساختمان های خود پناه دادند و

دست زدن به آن جنایت هولناک احساسات مسلمان ها را بیشتر تحریک می کنند و خروش و جنبش بیشتری در آنان ایجاد می نمایند. جنایت آنها سند مظلومیت ما و سند ظلم آنها است. و آن جمعیتی که شاهد این مناظر و شاهد غم انگیز بودند به این نکته پی بردند که ایرانیان اینقدر مجروح و شهید می شوند، اینقدر کتک می خورند و ضرب و شتم بر آنها وارد می شود، همه اش بخاطر اسلام و برای نجات مسلمانان و آزادی قدس است. آن مستضعفینی که می بینند ایرانیان بخاطر رهائی آنها از چنگال استعمار، فریاد براءت سر می دهند، احساساتشان بیشتر جریحه دار می شود و متاثرتر می شوند.

آن خاتم فلسطینی که تمام هم و آرزویش، آزادی فلسطین است وقتی می بیند حجاج ایرانی ماکت قدس را با خود حمل کرده اند و شعار علیه اسرائیل می دهند، اشک شوق از چشمانش سرازیر می شود و مشتش را گره می کند، بی گمان هنگامی که مشاهده کند، حاجی ایرانی کتک می خورد یا به قتل می رسد، قاتل او از نظر این خاتم، اسرائیلی است و این مقتول، مجاهد است و شهید، بلکه شاید به این عقیده برسد که این قاتلین از اسرائیلی ها و صهیونیست ها هم بدترند.

بنابراین، دشمنان ما با دست زدن به این جنایت، نه تنها ملت ها را مرعوب نمی کنند که خشمگین تر می نمایند و در کار خود مصمم تر و برای انتقام از دشمنان اسلام، آماده تر.

ایجاد تفرقه بین شیعه و سنی

یکی دیگر از اغراض و هدف های شیطانی آل سعود، پس از وقوع حادثه، و برای تاویل جنایت خود، این بود که تلاش کردند جنگ شیعه و سنی راه بیاندازند و آن را منشأ اختلاف و تفرقه قرار دهند با توجه به اینکه جمهوری اسلامی و حضرت امام که در رأس آن است و مقام رهبری را دارا است، همواره کوشیده و تلاش نموده است که وحدتی میان امت اسلامی ایجاد نماید که همه با هم باشند و هیچ مسأله ای باعث ضعف و از هم پاشیدگی آنها نشود.

و گرچه این مسئله نیاز به توضیح ندارد و از آفتاب روشن تر است ولی من مجدداً اعلام می کنم:

ما در ایران وحدت و انسجام کامل با برادران اهل سنت داریم و در کنار هم و با هم زندگی می کنیم و در کارهای اجرایی همکاری داریم،



ما بخوبی دریافته ایم که برای هدفی بزرگ و آرمانی اسلامی الهی باید بهای سنگینی پرداخت نمائیم، و شهداء گرانقدری را تقدیم کنیم و جهانخواران ما را راحت و آرام نخواهند گذاشت. «امام خمینی»

ملاحظه فرار دهیم، متوجه می شویم که دولت عربستان در میان ملت خودش نیز هیچ نفوذی ندارد. چون من در مصاحبه ها و سخنرانی روز جمعه، گوشه ای از آن همه تبلیغات وارونه و عجیب رژیم را تذکر دادم لذا نیاز به تکرار نمی بینم فقط این را متذکر می شوم که هر یک از این تبلیغات کافی بود که آنچنان اهالی مکه را نسبت به ما مورد تنفر قرار دهند که همه آنها بی استثنا با ما بجنگند و مبارزه کنند؛ ولی با این حال پیام ها، همدردی ها، همکاری ها و کمکهای زیادی که از سوی مردم آن دیار نسبت به ما ابراز می شد، نشان دهنده این بود که آن تبلیغات خنثی شده است و اگر مواردی جزئی پیدا می شد که برخی از زوار ایرانی مورد تعرض و یاسنجهای بی هدف قرار می گرفتند، معلوم بود که یا از سوی خود عوامل و مأمورین رژیم بودند و یا در موارد بسیار نادری افراد نادان و جاهل دست به چنین کارهایی می زدند که در همان موارد نیز، افرادی از خود مردم آنان را توییح و سرزنش کرده و ما را دلدار می دادند. و در موارد متعددی به ما پیام می دادند و ابراز شرمساری می کردند که چنین حادثه ای از سوی دولشان پیش آمده و با مهمانان خدا آن رفتار وحشیانه به وقوع پیوسته است.

تقدیر و ستایش از ملت خودمان

و در رابطه با مردم خودمان، زبان و قلم من عاجز است از اینکه بتوانم تقدیر و ستایش از آنها کنم مگر کسی می تواند تقدیر کند از این مختاواده های محترمی که آن قدر شهید داده اند و باز هم در حرم امن الهی مضروب و مجروح شده اند ولی هنگامی که در آنجا به ما می رسیدند و ما از دیدارشان خجالت زده می شدیم، نه تنها، ما را تسلی و دلداری می دادند که می گفتند: ما نمی توانیم بدتمان را به شما نشان بدهیم که ببینید ضربت باتون ها چقدر بدن هایمان را سیاه کرده است ولی همین قدر به شما می گوئیم. «شما را به خدا، سلام ما را به امام برسانید و بگوئید: ما تا آخرین قطره خونمان ایستاده ایم و هرگز عقب نشینی نخواهیم کرد». این سخن بزرگ را یکی از مجتهد های ایشار و اخلاص که دو دامادش و دو فرزندش در جبهه ها به شهادت رسیده بودند و شوهرش نیز در فاجعه مکه به شهادت رسیده بود، بر زبان جاری ساخت. کدام قلم و بیانی می تواند از این ایشار و

پذیرائی کردند و ابراز احساسات نمودند. در اینجا لازم است متذکر شوم یکی از ادله ای که ثابت می کند عربستان خودش را برای سرکوبی راهپیمایان مسلمان آماده کرده بود. و این را برای اولین بار اعلام می کنم. این است که وقتی ما در مدینه بودیم، مسئول مسکن نزد من آمد و به من گفت: من نمی دانم چه قضیه ای در پیش است؟ گفتیم: چطور؟ گفت: در راستای این خیابان که بعثه در آن مستقر هست، هر ساله ساختمانهای زیادی را ما اجاره می کردیم ولی نمی دانم چه شده است که امسال با یک برنامه ریزی از سوی رژیم، حتی یکی از این ساختمان ها را به ما واگذار نکرده اند و به ملت های دیگر داده اند خصوصاً که چندین ساختمان را به فلسطینی های سرزمین اشغالی واردی ها داده اند؟ نکند اینها قصد دارند ما را بوسله دیگر مسلمانان محاصره کنند و آنگاه آنها را به جان ما ببندازند و فلسطینی ها را با ما درگیر کنند تا اینکه رنگ ضد صهیونیستی ما را خنثی کنند؟ و از این روی، ترس ما از این بود که چنین حادثه ناگواری را توسط سایر مسلمانان اجرا نمایند ولی درست بعکس شد.

وقتی به مکه آمدیم و بررسی کردیم، معلوم شد بسیاری از این برادران فلسطینی، علاقمند به انقلاب اسلامی می باشند ولی باز هم مقداری نگران آینده بودیم که چه پیش می آید؟

شگفتا! با اینکه به تمام آنان سفارش کرده بودند که ایرانیان را پناه ندهید و تأکید کرده بودند درها را به روی ایرانیان باز نکنید، نه تنها ایرانیان را پناه دادند که عواطف عجیبی از خود نشان می دادند و بهترین محبت ها و علاقه ها را ابراز می کردند و همدردی می نمودند و حتی پس از حادثه گروه هائی از آنها به بعثه آمدند و اعلام وفاداری نسبت به ما کردند و برخی از آنها می گفتند: هر جا دادگاهی بر پا شود ما حاضریم بیائیم و شهادت دهیم و اوضاع را آنچنان که رخ داده است به دنیا برسانیم.

عکس العمل مردم عربستان

عکس العمل اهالی مکه درخور توجه است. ما اگر تبلیغات مسموم و گسترده ای که رژیم عربستان برای ایجاد تنفر و انزجار نسبت به ایرانیان را در رسانه های گروهیشان براه انداخته بودند، مورد

زائران محترم مبدا که از احساس رشد و عظمت انقلاب خود در برابر مسلمانان دیگر کشورها بغرور و عجب گرفتار شوند و خدای نخواستہ به اعمال و رفتار مسلمانان بدیده اهانت بنگرند. «امام خمینی»

آینده حج

یکی از مسائلی که اکنون مطرح است، آینده حج می باشد که در کوتاه سخن باید گفت: حج یک وظیفه اسلامی است و آنان که مستطیع هستند باید به حج بروند و ما هم ان شاء الله در حج سال آینده شرکت خواهیم کرد و این وظیفه و فریضه است و هیچ قدرتی نمی تواند، مسلمانان را از رفتن به خانه خدا و حج بیت الله باز دارد. اکنون چند سال است که از ثبت نام مؤمنین مستطیع می گذرد که عدد ثبت نام کنندگان بیش از یک میلیون نفر بوده است و در طی این چند سال، تنها توانسته ایم حدود سیصد هزار نفر از آنان را روانه کشورمان هستیم که استطاعت مالی و بدنی دارند و منتظرند ثبت نام جدید شروع شود تا ثبت نام کنند. بنابراین، ما یک جمعیت مستطیع داریم که در حد توانمان هر ساله، تعدادی را به حج می بریم و هیچ کس نمی تواند مانع انجام دادن فریضه واجب حج توسط مسلمانان گردد.

این از نظر بُعد عبادی حج و اما در مورد بعد سیاسی حج که بگفته ایم: از بعد عبادی آن اگر بیشتر نباشد، کمترین است، قبل از هر چیز باید تذکر دهیم که ما مطیع امام هستیم و هر دستوری بدهند به خواست خداوند عمل خواهیم کرد.

ولی روال کار ما بر این است که در ایام حج کارهای سیاسی خود را مانند گذشته انجام دهیم: با اندیشمندان و متفکران جهان اسلام گفتگو و مصاحبه می کنیم، سمینارها تشکیل می دهیم، کتابها و جزوه های معرف انقلاب و فرهنگ اسلام است منتشر می سازیم، دردهای مسلمین را برای چاره یابی در آن کنفرانس جهانی اسلام مطرح می کنیم و هر دو راهپیمایی وحدت (در مدینه) و برائت از مشرکین (در مکه) را به خواست خداوند بر پا می داریم.

چطور می توانیم در کنار خانه خدا و در جمع بیش از یک میلیون مسلمان از سراسر جهان باشیم و یکی از مهم ترین و دردناک ترین فاجعه های جهان اسلام- یعنی اشغال فلسطین- را یادآور نشویم؟

چطور می توانیم در این کنفرانس جهانی اسلام، دردها و رنجها و مصیبت های مسلمین را بازگو نکنیم که رسول خدا «ص» می فرماید: من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین! ولم یجبه فلیس بمسلم؟

از خود گذشتگی و عشق به الله، ستایش و تجلیل کند؟.

کدام قلم و بیانی می تواند از بانوی شهید «شرافت خسروی» تعریف و ستایش کند؟ این خانم بزرگوار که چهار فرزند دلبنده را به نامهای «احمد، محمد، محمود و محرم» در جبهه های حق از دست داد و همسرش «شهید میرزا علی فتح الله زاده» نیز همگام با پاسداران عزیز انقلاب به افتخار شهادت نائل شد و دامادش نیز جانباز می باشد، با این حال بقدری روحیه قوی و آهنین داشت که پس از آن همه داغها که دیده بود، وقتی مجلّه شاهد طی مصاحبه ای- از او سؤال کرده بود:

- چه آرزویی داری؟

پاسخ می دهد: می خواهم به جبهه بروم. و آنگاه آهی می کشد و می گوید: - اگر پیر نشده بودم و مریض نبودم، حالا هم با سپاه همکاری می کردم و مثل گذشته نان می پختم.

به او می گویند: از کار کشاورزی خسته نمی شوی؟ پاسخ می دهد:

- نه، دلم می خواهد درآمدی داشته باشم و آن را جوراب و دستکش ببافم و به جبهه بفرستم. از او می پرسند: مادر چه پیامی دارید؟ می گوید:

- جنگ جنگ تا پیروزی!

این همه گذشت و ایثار و اخلاص و فداکاری و عشق به شهادت و بزرگواری را در کجا سراغ دارید؟! راستی که پاداش چنین بانویی جز شهادت در راه خدا، آن هم در کنار خانه خدا و بدست شقی ترین مردم روی زمین، چه می تواند باشد؟ و مگر بغیر از خدای متعال کسی می تواند او را پاداش دهد؟ و با چه زبان و بیانی می توان از چنین الگوهایی که جز در صدر اسلام نمونه هایی از آنان دیده نشده است، تجلیل و تقدیر کرد؟

این عزم های استوار، این اراده های خلل ناپذیر، این نیروی فولادین، این قدرت ایمان و این تجسم های ایثار و اخلاص که در ملت بزرگ و ارجمند ما دیده می شود، برای ما بسیار ارزنده و شایان تقدیر و ستایش و تجلیل و تکریم است.

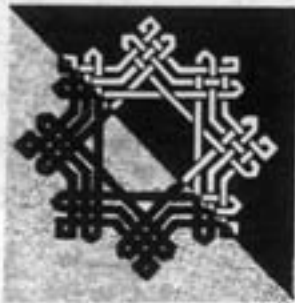


از اینکه خداوند هدیه‌ها و قربانیان هاجروار و اسمعیل گونه این ملت بزرگ را در کنار خانه خود پذیرفته است سپاسگزار و شاکر باشند.

«امام خمینی»

آثار اسلام را محو و نابود می‌کنند؛ آنجا که پیامبر اکرم «ص» نماز خوانده آنجا که فاطمه زهرا اشک ریخته، آنجا که علی «ع» شمشیر زده، آنجا که صحابه با کفار جنگ کرده‌اند، آنجا که قراردادی بین پیامبر و دیگر اقوام و طوایف بسته شده، آنجا که با پیامبر اکرم «ص» بیعت شده، آنجا که علی «ع» با دست مبارک خود درخت خرمایی کاشته، آنجا که امام سجاد «ع» مناجات کرده، آنجا که امام صادق «ع» سکونت گزیده و آنجا که ائمه معصومین و صدها صحابی جلیل‌القدر مدفون شده‌اند و صدها جای دیگر که پیامبر و اهل بیت و یارانش باد گارهایی بجای گذاشته‌اند و یا حماسه‌ها آفریده‌اند، همه را این مزدوران و یسران می‌کنند و آثارش را محو می‌نمایند. وجه جنایتی از این سنگین‌تر که این همه ذخایر عظیم بجای مانده که هر یک خاطره‌ای را از صدر اسلام دربر دارد و زنده نگهداشتنش مایه سربلندی و افتخار و غنی بودن فرهنگ امت اسلام است، بدست این مزدوران از زمین برود در حالی که ملل جهان موزه‌ها از آثار نیاکان خود می‌سازند و صدها هزار دلار صرف نگهداری آنها می‌کنند.

آری! حاکمان آل سعود که از هر جنایتی به اسلام و مسلمین دریغ ندارند و ثروت‌های خدادادی ملت گرسنه و بیچاره‌شان را صرف عیاشی‌ها و فسادها و خوشگذرانی‌های خاندان و نزدیکان و دوستان خود می‌کنند این خاندان پلید بی‌گمان نه تنها لیاقت اداره حرمین شریفین را ندارند بلکه باید از کشور اسلامی طرد شوند و بر اندیشمندان و متفکران جهان اسلام است که گردهم آیند و چاره‌ای برای رهایی حرمین شریفین ببینند و خانه ناس را از دست غاصبان درآورند و جنایتکاران آل سعود را به میز محاکمه بکشانند، هر چند ما بر این عقیده ایم که خداوند قاتلین مهمانانش را بزودی ان‌شاء الله در دنیا و آخرت کیفر خواهد داد.



مگر ما مسلمان نیستیم که لااقل همصدا با مسلمانان دربند فریاد «وا اسلاما» را بلند نکنیم و از تجاوزگران و اشغالگران و غارتگران بین‌المللی برائت نجوئیم؟!

چطور می‌توانیم شاهد جنایتهای صهیونیست‌ها در فلسطین و لبنان و... باشیم و در کنار خانه خدا «مرگ بر اسرائیل» نگوئیم؟ بنابراین، ما از اصول خود هرگز عقب‌نشینی نمی‌کنیم و با آمریکا و مزدورانش معامله نمی‌کنیم بگذار خوشایند آنان نباشد. ما هرگز مخالف حفظ امنیت مکه و مدینه نیستیم بلکه خودمان کاملاً امنیت را در حین راهپیمائی حفظ خواهیم کرد و شعارهایمان را قبلاً مشخص و معین می‌کنیم و برنامه خود را مانند سالهای گذشته توضیح می‌دهیم و در عین حال فریاد ن ظلم خود و سایر مسلمین و مستضعفین را در کنار حرم امن الهی بگوش جهانیان می‌رسانیم و مسلمین را برای رهایی از چنگال خونین ابرقدرتها و عمال وابسته‌شان به وحدت و انسجام دعوت می‌کنیم.

اداره حرمین شریفین

آل سعود با ارتکاب فاجعه خونین مکه، دستهای خود را به خون پاک مهمانان خدا در کنار خانه خدا و در ماه حرام آلوده کردند و با ارتکاب این جنایت هولناک، عدم صلاحیت و سرسپردگی خود را به جهانیان اعلام نمودند.

راستی برای جهان اسلام مایه سرافکندگی و شرمساری است که حرمین شریفین در اختیار حکومتی باشد شیفته و سرسپرده آمریکا که بخاطر شعار «مرگ بر آمریکا» در کنار کعبه مقدسه هزاران مسلمان را قتل‌عام می‌کند در حالی که اگر این فریادها در مقابل کاخ سفید و واشنگتن بلند شود، شاید چنان رفتاری با آنان نکنند. پس مسلمانان نباید چنین حکومت غاصبانه‌ای را تحمل کنند که منافع آمریکا و حفظ سیاست آن برایش مهم‌تر از عظمت اسلام و مسلمین است.

واتنگهی آل سعود نه تنها سرسپرده آمریکا هستند که عملاً با فرهنگ اسلامی مبارزه می‌کنند. یکی از نمونه‌های بارز مبارزه آنها با فرهنگ اسلام، محو و نابودی تمام آثار پیامبر «ص» و اصحاب آن حضرت در سراسر کشور است.

و جب به وجب مکه و مدینه مایه افتخار و سربلندی مسلمین است و همواره این ملحدان از خدا بی‌خبر. خصوصاً در سالهای اخیر. مراکز و